

خودآگاهی کاستی در جامعه‌ی معاصر هند

سیدارما. بی *

ترجمه یعقوب تابش **

چکیده

در گذشته نظام کاست^۱ در هند بر حوزه‌هایی نظیر آموزش، اقتصاد، سیاست، مذهب و خانواده تأثیر داشت، زیرا مشخصه‌ی ویژه‌ی نظام کاستی ازدواج درون‌همسری بود. در حال حاضر هم مردم آمادگی کنار گذاشتن این رسم را ندارند. از هنگام تولد تا مرگ، کاست تأثیر مهمی بر زندگی آن‌ها دارد. مردم بیشتر از اینکه تحت تأثیر قانون

* عضو هیئت علمی و پژوهشی گروه اجتماعی، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گاتام بودا.
** دکتری تاریخ ایران اسلامی، استادیار گروه تاریخ تشیع، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری. دانش‌آموخته‌ی دانشگاه شهید بهشتی.

^۱. کاست ریشه‌ی پرتغالی یا اسپانیایی دارد و شاید از کلمه‌ی کاستاس از زبان لاتین به معنی پاکدامن گرفته شده است که در میانه‌ی سده‌ی پانزدهم میلادی به وسیله‌ی پرتغالی‌هایی که وارد سواحل شرقی هند می‌شدند، رایج شده است. این واژه ظاهراً به معنی اصالت خونی و نژادی است. این واژه حتی به معنی دسته، صف و یا کلاس نیز ترجمه شده، اما تمام ترجمه‌ها نشان می‌دهد که این واژه بیشتر به اصالت خونی و نژادی برمی‌گردد که کلماتی چون عقیف و پاکدامن، پاک، خلوص، دسته، صف و کلاس را می‌تواند در خود جای دهد. واژه‌ی کاست در جامعه هند موسوم به «جات» یا «جاتی» است که به معنای طبقه، دسته، تبار، نسل، اصل و نسب و گروه گفته می‌شود. در فارسی نیز به معنای طبقه اجتماعی است. سید محسن سعیدی مدنی، «بررسی انسان‌شناختی نظام طبقاتی آریا و رنا و داسا و رنا در کتاب دینی ریگ و داسا»، فصلنامه مطالعات جهان؛ سال اول؛ شماره دوم؛ زمستان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶-۱۲۷.

اساسی هند باشند، پیرو احکام منوسمریتی^۱ هستند. حتی امروزه دالیت‌ها^۲ چه در هنگام رونق کاروبار و چه در هنگام بدبختی و بیچارگی مراسمی که بر اساس منوسمریتی است را برگزار می‌کنند. این مقاله بر چگونگی خودآگاهی مردم از کاست در جامعه‌ی معاصر هند تمرکز کرده است. همچنین تأثیر خودآگاهی کاستی در این جامعه را بیان می‌کند.

واژگان کلیدی: کاست، دالیت‌ها، انقلاب دموکراتیک



نظام کاستی جزئی جدایی‌ناپذیر از جامعه‌ی هند است. پیش‌بینی می‌شد در صورتی که مردم آموزش ببینند، جایی برای نظام کاستی باقی نماند. اما امروزه شواهد متعددی مبنی بر وجود تبعیض کاستی در بین تحصیل‌کرده‌ها موجود است. هر چه جامعه پیشرفته‌تر شود، به همان نسبت کاست هم توسعه می‌یابد. نفوذ کاست همه‌ی عرصه‌های جامعه شامل آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست و مذهب را فراگرفته است. از هنگام تولد تا مرگ کاست تأثیر مهمی بر زندگی دارد. نظام کاستی از مشخصه‌های جامعه‌ی هندی از هنگام تکوین تا مرحله‌ی تکامل است. هیچ نهادی مشابه نظام کاستی در دنیا وجود ندارد.

جامعه‌ی هندو یک جامعه‌ی تحت کنترل کاست است و جامعه‌ای همگن نیست و به قطعاتی که کاست می‌نامند، تقسیم می‌شود. کاست‌ها با مرزهای مشخصی از

۱. مهم‌ترین کتاب قانون هندوها که قوانین آن از دوره‌ی هند باستان تاکنون در جامعه‌ی هند رواج دارد. (مترجم) برای آگاهی بیشتر نک:

<http://www.hinduwebsite.com/sacredsceipts/hinduism/dharma/manusmriti.asp>

۲. عضو پایین‌ترین کاست جامعه. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/dalit>

یکدیگر جدا شده‌اند. وضعیت هر انسانی نه با انتخاب یا تلاشش، بلکه با تولدش مشخص می‌شود. هیچ قدرت، منزلت و ثروتی نمی‌تواند موقعیت محتوم شخص را تغییر دهد. پس از تولد، عضویت در کاست غیرقابل تغییر، غیرقابل پرسش و غیرقابل انتقال است. هر کاست رسوم، سنن، مراسم، تشریفات، قوانین و مقررات و رویه‌های غیررسمی خاص خود را دارد. همچنین شوراهای کاست روابط بین اعضا را تنظیم می‌کند. کاست به اعضایی که دچار تنگدستی و پریشانی می‌شوند کمک می‌کند. در واقع کاست با قوانین خاص خود اداره می‌شود.

دو جنبه از نابرابری‌های کاستی مورد توجه قرار گرفته است: نابرابری فرصت و نابرابری نتیجه.^۱ قرن‌ها از سازمان‌های اجتماعی مبتنی بر کاست - میراث نابرابری در دسترسی به زمین، آموزش و پرورش، کسب و کار و مالکیت - می‌گذرد. این فرایندها نابرابری دسترسی به منابع مولد و منافع مادی را به دنبال آورده است. نابرابری‌های کاستی به نابرابری فرصت‌ها محدود نمی‌شود، حتی اعضای بسیار کارآمد کاست‌های پایین‌تر با تبعیض‌های سیاسی و اقتصادی که به نابرابری نتیجه یا خروجی می‌انجامد مواجه‌اند. به کارگیری دالیت‌هایی که در آغاز در روزهای فلاکت از کار بی‌کار شده‌اند حتی در روزگار موفقیتشان به طول می‌انجامد. به گفته‌ی آمبدار در بین هندوها یک نقص مطلق وجود دارد که جامعه‌شناسان به آن «آگاهی از نوع» می‌گویند. در بین هندوها هیچ هوشیاری نوعی وجود ندارد. برای هر هندویی مفهوم آگاهی از وجود، در واقع آگاهی از کاست او است. کاست روحیه‌ی ملی را کشته و احساس نیکوکاری ملی را نابود و امکان شکل‌گیری اندیشه‌ی ملی را ناممکن کرده

^۱. Thorat, Sukhadeo and Paul Attewell (2007) The Legacy of Social Exclusion: A Correspondence Study of Job Discrimination in India Economic and Political Weekly. Volume 42 (41).

است. ملت هندو کاست اوست و تنها به آن وفادار است. پاکدامنی و اخلاق به وسیله‌ی کاست کنترل می‌شود. هیچ شایستگی قابل تقدیر (دیگری به غیر از آنچه کاست تعیین می‌کند) وجود ندارد. یک تقوای قابل تقدیر وجود دارد، اما فقط هنگامی که فرد پیرو کاست باشد (تحقق می‌یابد). کاست بدون تردید، اصولاً نفس هندو است. آیین‌های کاست حتی اگر غیر انسانی و متعصبانه باشد باید (مورد پذیرش اعضا) قرار گیرد. آن‌ها (مقررات) کاست را رعایت می‌کنند، زیرا عمیقاً مذهبی هستند. مردم (در انجام آیین‌های) کاستی اشتباه نمی‌کنند. آنچه در مذهب آن‌ها اشتباه است، ریشه در تصورات کاستی آن‌ها دارد.^۱

طبق اظهارات دکتر آمبدار مسائل مربوط به کاست چه از حیث نظری و چه از حیث عملی بسیار است. در واقع، کاست رسمی است که عواقب بسیار بزرگی را به همراه دارد. کاست نوعی مشکل محلی است، اما قابلیت تبدیل به مصیبتی وسیع‌تر را نیز دارد. مادامی که کاست در هند وجود دارد، هندوها به سختی قادر به ازدواج و روابط اجتماعی با بیگانگان هستند. اگر هندوها به مناطق دیگر کره زمین مهاجرت کنند، کاست هندی مشکلی جهانی می‌شود. مهاجرت هندی‌ها به سایر کشورها تمرین نظام کاستی در سایر کشورها نیز هست. افراد متعلق به کاست فرودین که به دیگر کشورها مهاجرت کرده‌اند در معرض انواع تبعیض‌های کاستی قرار می‌گیرند. هند جامعه‌ای همگن نیست که در آن میدان بازی یکسانی وجود داشته باشد و همه در آن سعادت‌مند شوند. کاست همچنان بر جامعه هند تسلط دارد. بی‌تردید کاست به منزله‌ی نفس هندوها است.

^۱. Ambedkar B.R. (1936) Annihilation of Caste. Jalandhar: Bhim Patrika.

در حال حاضر تشکیلات کاست در حال افزایش هستند و از هر تلاشی برای به دست آوردن وفاداری اعضای خود و تقویت هویت و همبستگی آن‌ها کوتاهی نمی‌کنند. روستاهای کاستی در حال استقرار و تشکیلات کاستی در حال افزایش هستند.^۱ بعضی از این سازمان‌ها دارای نظام‌نامه‌هایی مدون هستند و کمیته‌هایی که مسئولیت حفظ برخی قوانین و مقررات کاستی را برعهده دارند، آن‌ها را مدیریت می‌کنند. تشکیلات کاست، مقالات، بولتن‌ها، نشریات، ماهنامه‌ها و غیره خود را از طریق آن‌ها اداره می‌کند و به‌طور منظم اطلاعات مربوط به فعالیت‌های تشکیلات کاست و دستاوردهای اعضای کاست را به اعضا می‌فرستد. این تلاش‌ها ادغام کاست‌ها را از طریق شکل‌گیری اتحادیه‌ها امکان‌پذیر می‌کند. این اتحادیه‌ها گردهمایی‌های سالانه تحت عنوان شام سالانه و جشن‌های گاه و بیگاه ترتیب می‌دهند. آن‌ها برای اعضای نیازمند کاست سرپناه فراهم می‌کنند. به دانش‌آموزان فقیر بورسیه می‌دهند. بعضی از آن‌ها، مدارس، کالج‌ها و خانه‌های زایمان شبانه‌روزی را اداره می‌کنند که به اعضای کاست و دیگران خدماتی را ارائه می‌دهند. کاست‌های شغلی برای بهبود شرایط اقتصادی اعضای کاست تعاونی‌های اعتبار و انجمن‌های صنعتی ایجاد می‌کنند. سازمان‌های کاست حق عضویت را از اعضا گردآوری و همایش‌های سالانه را برگزار می‌کنند، موضوع‌هایی را که به منافع و انسجام کاست کمک می‌کند به بحث می‌گذارند و جلسات اعتراضی و هیجانی را علیه سیاست‌های حکومتی که به منافع کاست آسیب می‌رساند، بر پا می‌کنند.

در جامعه‌ی کنونی هند کاست و سیاست بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. کاست یک جنبه‌ی جدایی‌ناپذیر از سیاست ما است و ماندگاری آن به سیاست بستگی دارد.

^۱. Ibid Shankar Rao.

مبارزات انتخاباتی اغلب بر اساس کاست انجام می‌شود. نامزدهای انتخاباتی، تحلیل آراء، انتخاب رهبران احزاب قانون‌گذار، توزیع مناصب اجرایی و غیره وابستگی زیادی به کاست دارد. سیاست‌ها در هر ایالت به‌عنوان مثال ایالت ام. ان. سرینواز بیان می‌دارد که در واقع سیاست‌ها در مواجهه با کاست حاکم ایفای نقش می‌کنند. خودآگاهی کاستی خطر بزرگی برای دموکراسی است. به بیان دقیق‌تر دموکراسی و کاست نمی‌توانند با یکدیگر همراه شوند؛ زیرا کاست بر پایه‌ی نابرابری بنا شده است. احساسات کاستی رشد تمایلات ملی و اتحاد را به مخاطره می‌اندازد.^۱ به‌طوری‌که ۶۵ سال بعد از استقلال، هندوستان هنوز در سیطره‌ی نظام کاستی است.

کاست تقریباً یکپارچگی سیاسی و ملی را غیر ممکن و اعضایش را تشویق به وفاداری و سرسپردگی به گروه‌های محدود می‌کند. اعضای کاست بیشتر از آن‌که به ملیت وفادار باشند به کاستشان وفادارند. یکی از نتایج غم‌انگیز نظام کاستی جلوگیری از توسعه‌ی خودآگاهی ملی در بین مردم است. این کار دخالت بیگانگان متجاوز را آسان می‌کند. حتی مکس میلر می‌گوید: «هندی‌ها هرگز احساسات ناسیونالیستی را نشناخته‌اند». سر لپن گرفین به حکومت بریتانیا توصیه کرده بود که برای اینکه سلطه‌ی بریتانیا در هند پایدار بماند، باید از ابزار کاست بهره برد. او اظهار می‌کند که «یک ملت علیه خودش تقسیم شده است، این مناسب‌ترین توصیف برای قوم هندو است». به گفته‌ی جی. اس. گوری «روحیه‌ی تعلق عاطفی به کاست، تضاد بین کاست‌ها را به وجود می‌آورد و جو ناسالمی را برای رشد خودآگاهی ملی ایجاد می‌کند.»^۲ خودآگاهی کاستی، تبعیض نژادی و گوشه‌گیری را به همراه می‌آورد. هر

^۱. Ibid, C.N. Shankar Rao

^۲. G. S. Ghurey Caste and Race in India Page-200.

اندیشه‌ی کاستی فی‌نفسه و به سادگی منافع دیگران را فراموش می‌کند. همچنین مردم را تقدیرگرا بار می‌آورد. این تقدیرگرایی موجب می‌شود مردم بینشی محافظه‌کار داشته باشند.

کاست با مشاغل ارثی در انتخاب شغل محدودیت ایجاد می‌کند. هیچ شانس‌ی را برای بروز توانایی و استعداد شخصی که دارای لیاقت در شغل خاصی باشد به او نمی‌دهد و به اصل «حق انسان برای حق شغل» باور ندارد. از این رو اشخاصی به اشتباه در برخی مشاغل خاص قرار می‌گیرند، به همین خاطر هم شخص و هم شغل آسیب می‌بیند. از اقتضائات سیستم کاست این است که جامعه نمی‌تواند از استعدادهای اعضایش به خوبی بهره برد. به این ترتیب کاست یک مانع قوی برای حداکثر بهره‌وری بوده است. کاست آسیب‌سختی به چشم‌انداز پویایی جغرافیایی و حرفه‌ای وارد می‌کند.^۱ کاست اغلب به خاطر قیود و ممنوعیت‌هایی که به زنان تحمیل می‌کند، قابل سرزنش است. برای مثال زنان را به تحصیل کردن تشویق نمی‌کند و آن‌ها را در مباحث مذهبی، فعالیت‌های سیاسی و تجاری مشارکت نمی‌دهد. به ازدواج دختران در سنین پایین اصرار می‌ورزد با این عمل و آن‌ها خودشان را در خانه و چهاردیواری آشپزخانه محبوس می‌کنند. کاست حق طلاق زنان را منکر می‌شود و به مدت طولانی برای بیوه‌هایی که ازدواج مجدد می‌کردند، محدودیت قائل بود.

^۱. Ibid, C.N. Shankar Rao,

نتیجه‌گیری

نظام کاست قیودی را بر ازدواج تحمیل می‌کند. کاست یک گروه درون همسری است. ازدواج درون همسری، ازدواجی است که مرد یا زن از خارج از گروهی که به آن تعلق دارد ازدواج نمی‌کند. هر کاست به چندین زیر کاست تقسیم می‌شود که در هر یک از زیر کاست‌ها هم درون همسری حکم‌فرما است. ازدواج‌های بین کاستی به شدت ممنوع بودند. حتی در حال حاضر ازدواج‌های بین کاستی رایج نیست. تخطی از قانون درون همسری پیامدهای ناگواری را به دنبال داشت. برخی نویسندگان نظیر هوتون اظهار می‌کنند که ازدواج درون همسری مهم‌ترین اساس نظام کاستی به شمار می‌رود.^۱ امروزه کسانی که از قانون کاست تخطی می‌کنند و به ازدواج‌های بین کاستی تن می‌دهند، با ترس از دست دادن جانشان زندگی می‌کنند. هر چند درباره‌ی این موضوع قانون وجود دارد، اما مردم نگران عمل نکردن به آن نیستند. مردم بیشتر از آن که تحت تأثیر قانون اساسی هند باشند، تحت تأثیر منوسمریتی هستند. حتی امروزه در ازدواج، آموزش، سیاست، کسب‌وکار، عادات غذایی، سنن خانوادگی، آداب‌ورسوم و غیره آموزه‌های منوسمریتی را انتخاب می‌کنند که اغلب از طریق کاست به فرد تحمیل می‌شوند. اکنون کاست به جای اینکه بعد از بیداری مدرنیسم از بین برود، قوی‌تر شده است.

^۱. Ibid C.N. Shankar Rao.

کتابنامه نویسنده

Ambedkar B.R. (1936) Annihilation of Caste. Jalandhar: Bhm Patrika.

Ambedkar B.R. (2002). Caste in India in Ghanshyam Shah ed. Caste and Democratic Politics in India. Delhi: Permanent Black. Pp. 83-107.

Dr. Babasaheb Ambedkar: Writings and Speeches, Vol. 1. Bombay: Education Department, Government of Maharashtra, 1979.

Deshpande, Ashwini (2000): Does Caste Still Define Disparity? A Look at Inequality in Kerala, India , The American Economic Review, 90 (2): 322-25.

Jaffrelot, C. (2003) India's silent revolution. The rise of the lower castes in Indian politics (Delhi: Permanent Black).

Omvedt, Gail (1994). Dalits and the Democratic Revolution : Dr. Ambedkar and the Dalit Movement in Colonial India. New Delhi: Sage Publications.

Sekhon, Joti. Modern India. Boston: McGraw-Hill, 2000. Print.

Sonalde Desai, Amaresh Dubey 2011, Caste in 21st Century India: Competing Narratives, Economic & Political, Weekly march 12, 2011 vol xlvi no 11.

مآخذ مترجم

<http://www.hinduwebsite.com/sacredsceipts/hinduism/dharma/manusmriti.asp>

<https://en.oxforddictionaries.com/definition/dalit> .

سید محسن سعیدی مدنی، «بررسی انسان‌شناختی نظام طبقاتی آریا و رنا و داسا و رنا در کتاب دینی ریگ ودا»، فصلنامه مطالعات جهان؛ سال اول؛ شماره دوم؛ زمستان (۱۳۹۰)، ص ۱۲۵-۱۴۸.

